



## آموزه ۱۰

### زبان و ادبیات فارسی در سده‌های پنجم و ششم و ویژگی‌های سبکی آن

#### شعر فارسی

تلاش شاعران ایران از قرن سوم تا میانه قرن پنجم، موجب شد زبان و ادب فارسی در شرق و شمال شرق، یعنی ماوراءالنهر، خراسان و سیستان گسترش یابد. عوامل مهم پیشرفت و گسترش زبان و ادبیات فارسی در این دوره عبارت اند از:

☐ گرایش شاهان در جلب عالمان و ادیبان به دربار؛

☐ لشکرکشی‌ها و فتوحات غزنویان؛

☐ توسعه مدارس و مراکز تعلیم.

در این دوره پدیده‌های عمده دیگری نیز برای زبان فارسی رخ نموده است، از جمله:

☐ گسترش فارسی دری و آمیزش آن با کلمات و لغات نواحی مرکزی و غربی ایران؛

☐ آمیختگی با واژه‌ها، نام‌ها و لقب‌های غیر رایج در عصر غزنوی و سلجوقی.

هر چه زمان می گذشت، آمیختگی زبان فارسی با واژگان عربی بیشتر می شد؛ زیرا در مدارس آن عهد، عمدتاً تحصیل علوم دینی و ادبی، میسر بود؛ به همین سبب شاعران و ادیبان، بیش از هر چیز با زبان و ادبیات عربی آشنا می شدند.

رویداد مهم دیگر این دوره، نشر و گسترش زبان فارسی در هندوستان و آسیای صغیر، یعنی در نواحی شرقی و غربی بیرون از ایران بود. زبان فارسی در پی لشکرکشی‌های متعدد محمود غزنوی، و جانشینان او، به هندوستان راه یافت و در اندک زمانی در میان هندوان نه تنها زبان سیاسی و نظامی، بلکه زبانی مقدس قلمداد گردید.

با نگاهی گذرا به شعر این دوره، درمی یابیم:

تا حدود نیمه دوم قرن پنجم و آغاز قرن ششم، شعر پارسی همچنان تحت تأثیر سبک دوره سامانی و غزنوی است؛ یعنی سخن شاعرانی چون ناصر خسرو قبادیانی یادآور سروده‌های سخنوران قرن چهارم است. گروهی از شاعران این دوره، در عین تقلید از پیشینیان، هر یک ابتکارات و نوآوری‌هایی دارند که باعث دگرگونی و تحول در سبک سخن فارسی شد.

موضوع قابل توجه در شعر نیمه دوم قرن ششم، علاقه مندی شاعران به سرودن غزلهای لطیف و زیباست. انوری و همسبکان او در آوردن مضامین دقیق در غزل بسیار کوشیدند. تحولی که سنایی و انوری در غزل ایجاد کردند، باعث شد که در قرن هفتم، شاعران بزرگی در غزل ظهور کنند و این نوع از شعر فارسی را به اوج برسانند.

در همان حال که شاعران خراسان و سیستان، سرگرم رونق بخشی سبک تازه بودند، در شمال غرب ایران دست‌های از شاعران ظهور کردند که کار آنان در ادب فارسی، تازگی داشت. این دسته که شاعران معروف آذربایجان (خاقانی، نظامی و...) بودند، سبک شعر فارسی را از آنچه در دیگر نواحی ایران یا پیش از آنان رایج بود، متمایز ساختند.



مرکز ادبی مهم دیگری که در نیمه دوم قرن ششم، در شکل گیری شیوه خاصی از شعر فارسی مؤثر بود، حوزه ادبی فارس و نواحی مرکزی (عراق عجم) است. در این حوزه ادبی، شاعران و نویسندگان مشهوری در اصفهان، همدان، ری و... ظهور کردند که در تجدید سبک، بسیار تأثیرگذار بودند؛ از جمله آنان، جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی است.

سبک شعر در نیمه دوم قرن ششم و اوایل قرن هفتم متحول شد و عمدتاً با شیوه شاعری پیش از آن، متمایز گردید و مقدمه ظهور «سبک عراقی» در شعر فارسی شد.

شعر این دوره از نظر سبک گویندگی و موضوع، تنوع یافت و در شاخه‌ها و رشته‌هایی همچون مدح، هجو، طنز، وعظ و حکمت، داستان سرایی، تغزل و حماسه به کار گرفته شد. از ویژگی‌های شعر فارسی در این دوره، تأثیرپذیری برخی از شاعران از ادبیات عرب و مضامین شعری آن است.

نکته قابل توجه دیگر در شعر این دوره، آن است که برخی از شاعران از مدح شاهان و انتساب به دربارها پرهیز می‌کردند. ناصر خسرو، از شاعران آغاز این دوره، به سبب پایبندی به اعتقادات خاص دینی از دربارها کناره می‌گرفت. پس از او، سنایی هم که ابتدا مدیحه گوی بود، در دوره دوم از حیات شعری خود، به سیر و سلوک معنوی پرداخت.

تحول روحی و معنوی سنایی، آغازی برای دگرگونی عمیق در شعر فارسی گردید؛ آن چنان که به پیروی از وی بسیاری از شاعران به تصوف و عرفان روی آوردند و شاعران بزرگی چون عطار و مولوی ظهور کردند. با خروج شعر از دربارها و ورود آن به خانقاه‌ها دامنه موضوعات آن، گسترش یافت و بر سادگی بیان، قدرت عواطف، عمق افکار و اندیشه‌هایی که موضوع شعر پارسی بود، افزوده شد و خانقاه‌ها در شمار پشتیبانان و پناهگاه‌های شعر فارسی درآمدند.

حکمت و دانش و اندیشه‌های دینی نیز در شعر این دوره، تأثیری عمیق بخشید و جزئی از مضامین شعری شد. بدبینی شاعران نسبت به دنیا و بریدن از آن، شکایت از روزگار، بیان ناخرسندی فرزندانگان از اوضاع زمانه خویش و طرح نابسامانی‌های اجتماعی از مضامین برجسته شعر این دوره است.

### نثر فارسی در سده‌های پنجم و ششم

این دوره، یکی از مهم‌ترین دوره‌های کمال و گسترش نثر پارسی است. در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم، نثر پارسی تازه ظهور کرده بود و با همه پیشرفت‌هایی که داشت هنوز در آغاز راه بود. در نیمه قرن پنجم با دوره بلوغ آن مواجه می‌شویم و در قرن ششم و اوایل قرن هفتم آن را در حال پختگی و کمال می‌یابیم.

در این دوره، تألیف کتاب در موضوع‌های گوناگون علمی رواج یافت و نثر ساده به کمال رسید و نثر مصنوع هم رایج شد.

از دیگر مسائلی که در تاریخ نثر این دوره اهمیت دارد، توجه نویسندگان به فارس ینویسی است که عمده‌ترین دلایل آن عبارت‌اند از:

۱- گسترش عرفان و تصوف؛

۲- شکل‌گیری دولت سلجوقی و بهره‌گیری از دبیران و نویسندگان تربیت یافته در خراسان و عراق؛ چنان‌که کمتر، نامه و

منشور و فرمانی به زبان عربی نگاشته می‌شد و بدین سان مجموعه‌های مشهوری از متون نثر پارسی پدید آمد.



در این دوره، از دید سبک نثر پارسی به شیوه دیگری از نثر می رسیم که می توان آن را **نثر موزون** نامید. ویژگی اصلی نثر موزون به کارگیری سجع است. سجع در نثر مانند قافیه در شعر است؛ بنابر این، نثر موزون یا آهنگین با بهره گیری از جمله‌های کوتاه، خود را به شعر نزدیک می کند.

خواجه عبدالله انصاری این شیوه نثر را به کمال رساند؛ آن چنان که می توان آثار وی را سرآمد همه نثرهای موزون فارسی شمرد. نمونه ای از این نثر را می خوانیم:

ای کریمی که بخشنده عطایی؛ و ای حکیمی که پوشنده خطایی؛ و ای صمدی که از ادراک خلق جدایی؛ و ای احدی که در ذات و صفات، بی همتایی؛ و ای خالقی که راه نمایی؛ و ای قادری که خدایی را سزایی؛ جان ما را صفای خود ده؛ و دل ما را هوای خود ده؛ و چشم ما را ضیای خود ده؛ و ما را آن ده که آن به؛ و مگذار ما را به که و مه.

نمونه دیگر از نثر موزون که تحت تأثیر خواجه عبدالله نوشته شد، کتاب تفسیر «کشف الاسرار و عده الابرار» ابوالفضل میبیدی است:

فرمان بزرگوار از خدای نامدار می گوید... بندگان من، مرا پرستید و مرا خوانید و مرا دانید که آفریدگار منم؛ کردگار نامدار، بنده نواز آمرزگار منم؛ مرا پرستید که جز من معبود نیست؛ مرا خوانید که جز من مجیب نیست ...

پس از نثر موزون، به شیوه دیگری می رسیم که **نثر فنی** نام دارد. منظور از نثر فنی، آوردن آرایه‌های ادبی فراوان، امثال و اشعار گوناگون از عربی و پارسی و اصطلاحات علمی است. دوره رواج این گونه نثر، قرن ششم هجری است و نخستین نمونه آن، کتاب «کليلة و دمنه» از ابوالمعالی نصرالله منشی است که (در سال ۵۳۶ ه.ق.) در اواسط نیمه

اول قرن ششم تألیف شد:

بازرگانی بود بسیار مال و او را فرزندان در رسیدند و از کسب و جرقت اعراض نمودند و دست اسراف به مال او دراز کردند. پدر، موعظت و ملامت ایشان واجب دید و در اثنای آن گفت که: ای فرزندان، اهل دنیا، جویان سه رتبت اند و بدان نرسند، مگر به چهار خصلت؛ اما آن سه که طالب آنند، فراخی معیشت است و رفعت منزلت، و رسیدن به ثواب آخرت؛ و آن چهار که به وسیلت آن بدین اغراض توان رسید، الفعدن مال است از وجه پسندیده و ...

برخی از ویژگی‌های سبکی این دوره: (شعر)

### الف) زبانی

- ۱- از میان رفتن لغات مهجور فارسی نسبت به سبک خراسانی؛
- ۲- فراوانی ترکیبات نو؛
- ۳- کاهش سادگی و روانی کلام و حرکت به سوی دشواری متون؛
- ۴- ورود لغات زبان ترکی و مغولی به زبان فارسی.

### ب) ادبی

- ۱- رواج و اوج‌گیری بیشتر قالب‌های شعری، به ویژه غزل و مثنوی؛



۲- رواج داستان‌سرایی و منظومه‌های داستانی؛

۳- توجه بیشتر به آرایه‌های ادبی؛

۴- به کارگیری ردیف‌های فعلی و اسمی دشوار در شعر.

### پ) فکری

۱- ورود اصطلاحات عرفانی؛

۲- فراوانی وعظ و اندرز در شعر؛

۳- فاصله گرفتن غزل از عشق زمینی؛

۴- رواج هجو در شعر؛

۵- رواج حسن دینی؛

۶- رواج مفاخره، شکایت و انتقاد اجتماعی.

### ویژگی‌های عمده نثر فارسی این دوره عبارت اند از: (نثر)

۱- استفاده از آرایه‌های ادبی؛ مانند: موازنه، سجع، مراعات نظیر، تشبیه و ...؛

۲- حذف افعال به قرینه؛

۳- کاربرد لغات مهجور عربی، ترکی و مغولی و اصطلاحات علمی و فنی؛

۴- رواج نثر داستانی، تمثیلی و عرفانی؛

☐ تمثیل به معنای «تشبیه کردن» و «مَثَل آوردن» است و در اصطلاح ادبی، آن است که شاعر یا نویسنده برای تأیید و تأکید بر سخن خویش، حکایت، داستان یا نمونه و مثالی را بیان کند تا مفاهیم ذهنی خود را آسان تر به خواننده انتقال دهد.

۵- آوردن مترادفها و توصیف‌های فراوان؛

۶- کاربرد آیات، احادیث و اشعار در متن؛

۷- استفاده از ترکیبات دشوار.

برخی از آثار منثور این دوره عبارت اند از:

قابوسنامه، تاریخ بیهقی، چهارمقاله نظامی عروضی، مقامات حمیدی، کلیله و دمنه

☐ نمونه



چنین آورده اند که نصر بن احمد که واسطه عقد آل سامان بود و اوج دولت آن خاندان، ایام مُلکِ او بود، و اسباب تمنع و علل ترفع در غایت ساختگی بود؛ خزاین آراسته و لشکر جزّار و بندگان فرمانبردار. زمستان به دارالملک بخارا مقام کردی و تابستان به سمرقند رفتی یا به شهرهای خراسان.

چهارمقاله، نظامی عروضی

## خودارزیابی

### ۱- تحوّل اساسی شعر این دوره، در چه زمینه هایی صورت گرفت؟

گسترش دامنه موضوعات شعر در رشته هایی همچون مدح، هجو، طنز، و عجز و حکمت، داستان سرایی، تغزل و حماسه به ویژه در زمینه عرفان / علاقه مندی شاعران به سرودن غزل های لطیف و زیباست. / در شمال غرب ایران دسته ای از شاعران ظهور کردند که در ادب فارسی نوآوری داشتند.

### ۲- ویژگی های شعر دوره اول (از قرن سوم تا میانه قرن پنجم) و دوم (از نیمه دوم قرن پنجم و قرن ششم) را با هم مقایسه کنید.

دوره اول: سادگی فکر و روانی کلام در شعر؛ توجه بیشتر شاعران به واقعیت بیرونی؛ آوردن ترکیب های تازه، تشبیهات گوناگون و به کارگیری انواع توصیف در شعر.

دوره دوم: تا حدود نیمه دوم قرن پنجم و آغاز قرن ششم، شعر فارسی همچنان تحت تأثیر سبک دوره سامانی و غزنوی است و سخن شاعرانی چون ناصر خسرو قبادیانی یادآور سروده های سخنوران قرن چهارم است. / گروهی از شاعران این دوره، در عین تقلید از پیشینیان، هر یک ابتکارات و نوآوریهایی دارند که باعث دگرگونی و تحول در سبک سخن فارسی شد. / برخی از شاعران از ادبیات عرب و مضامین شعری آن تأثیر پذیرفته اند.

### ۳- دلایل گرایش نویسندگان به فارسی نویسی در این دوره چیست؟

الف) گسترش عرفان و تصوف

ب) شکل گیری دولت سلجوقی و بهره گیری از دبیران و نویسندگان تربیت یافته در خراسان و عراق

### ۴- با توجه به این شعر، به پرسش ها، پاسخ دهید.

آمد نفس صبح و سلامت نرسانید / بوی تو نیاورد و پیامت نرسانید

یا تو به دم صبح، سلامی نسپردی / یا صبحدم از رشک، سلامت نرسانید

من نامه نوشتم به کیوتر بسپر دم / چه سود که بختم سوی بامت نرسانید

بر باد سپردم دل و جان، تا به تو آرد / زین هر دو ندانم که کدامت نرسانید

عمری است که چون خاک، جگر تشنه عشقم / و ایام به من، جرعه جامت نرسانید

خاقانی، ازین طالع خود کام چه جویی؟ / کاو چاشنی کام به کامت نرسانید

خاقانی شروانی



**الف) دو ویژگی ادبی را بنویسید.** قالب: غزل / جانبخشی: گپ و گفت با صبح / کنایه: دل و جان سپردن / تشبیه: من چون خاک ام / جناس همسان: کام (۱- آرزو، خواسته دل؛ ۲- دهان) / ردیف: نرسانید / واژه آرای: صبح، کام / استعاره

**ب) کدام ویژگی‌های زبانی در شعر دیده می‌شود؟** استفاده از ترکیبات نو: چاشنی کام، جگر تشنه / از بین رفتن لغات مهجور فارسی نسبت به سبک خراسانی / فارسی بودن اغلب واژه‌ها / کوتاه و ساده بودن جمله‌ها / ساختمان ساده داشتن بیشتر واژه‌ها: نفس، صبح، پیام ... / پرسش انکاری در بیت پایانی

**پ) قلمرو فکری این غزل را بررسی کنید.** درون‌گرایی و توجه به احوال شخصی و مسائل روحی؛ بداقبالی و شوربختی شاعر، بیان نامردی و ناکامی شاعر

### ▣ کالبدشکافی همه غزل

#### ۱- آمد نفس صبح و سلامت نرسانید / بوی تو نیاورد و پیامت نرسانید

**قلمرو زبانی:** نفس: دم / افلاک: ج فلک: آسمان، چرخ / **قلمرو ادبی:** قالب: غزل، وزن مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن / نفس صبح: استعاره / واج آرای: «ن» / ردیف: نرسانید /

**بازگردانی:** بامداد از راه رسید؛ اما سلام تو را به من نرسانید. بوی تو را برای من نیاورد و پیام تو را به من نرسانید.

**پیام:** دوری از دلبر

#### ۲- یا تو به دم صبح، سلامی نسپردی / یا صبحدم از رشک، سلامت نرسانید

**قلمرو زبانی:** دم: نفس / صبحدم: هنگام صبح / رشک: حسد / **قلمرو ادبی:** صبحدم از رشک: جانبخشی / یا تو ... نسپردی؛ صبحدم ... نرسانید: استعاره پنهان / واژه آرای: صبح

**بازگردانی:** یا تو به دم صبح، سلامی نسپردی یا صبحدم از روی حسد، سلام تو را به من نرسانید.

**پیام:** بی وفایی دلبر

#### ۳- من نامه نوشتم به کیوتر بسپردم / چه سود که بختم سوی بامت نرسانید

**قلمرو زبانی:** چه سود: پرسش انکاری / بام: پشت بام / که: زیرا / **قلمرو ادبی:** بختم ... نرسانید: استعاره، جانبخشی

**بازگردانی:** من نامه ای نوشتم و آن را به کیوتر بستم؛ ولی چه سود؛ زیرا شوربختی ام باعث شد که به تو نرسد.

**پیام:** شوربخت و بدشانس بودن

#### ۴- بر باد سپردم دل و جان، تا به تو آرد / زین هر دو ندانم که کدامت نرسانید

**قلمرو زبانی:** آرد: آورد (بن ماضی: آورد؛ بن مضارع: آور، آر) / ندانم: نمی دانم / جهش ضمیر: کدامت نرسانید (به تو کدام را نرسانید) / **قلمرو ادبی:** بر باد سپردم: استعاره، جانبخشی / دل، جان: تناسب / دل و جان سپردن: کنایه واگذاری زندگی و هستی /

**بازگردانی:** دل و جانم را به باد سپردم تا آن دو را به نزد تو بیاورد؛ ولی نمی دانم که از این دو تا کدام را به تو رساند و کدام را نرساند؟

**پیام:** جان سپاری برای دلبر

#### ۵- عمری است که چون خاک، جگر تشنه عشقم / و ایام به من، جرعه جامت نرسانید



**قلمرو زبانی:** ایام: روزگار؛ ج یوم / **قلمرو ادبی:** چون خاک: تشبیه / ایام ... نرسانید: استعاره / **جرعه جام تو:** اضافه تشبیهی / تشنه بودن: کنایه از علاقه مندی بسیار

**بازگردانی:** عمری است که من مانند خاک، شیفته و علاقه مند عشقم؛ ولی ایام به من، جرعه جام تو را نرسانید.

**پیام:** ناکامی

#### ۶- خاقانی، ازین طالع خود کام چه جویی؟ / کاو چاشنی کام به کامت نرسانید

**قلمرو زبانی:** طالع: بخت / پرسش انکاری / کاو: که او، زیرا که او / چاشنی: شیرینی، مزه / **قلمرو ادبی:** جناس همسان: کام (۱- آرزو، خواسته دل؛ ۲- دهان) / نفس صبح: استعاره / واژه آرایبی: کام / واج آرایبی: «ک» / چاشنی کام: اضافه تشبیهی / ازین طالع ... جویی: استعاره

**بازگردانی:** ای خاقانی، ازین بخت و سرنوشت خودت چرا توقع کام جویی داری؟ زیرا او شیرینی و مزه ای را به دهان تو نخواهد رساد.

**پیام:** شوربختی

#### خاقانی شروانی

#### ۵- کدام یک از ویژگی های نثر این دوره را، در متن زیر، می بینید؟

آورده اند که به فلان شهر، درختی بود و در زیر درخت، سوراخ موش، و نزدیک آن، گریه ای خانه داشت؛ و صیادان آنجا بسیار آمدندی. روزی صیاد دام بنهاد. گریه در دام افتاد و بماند و موش به طلب طعمه از سوراخ بیرون رفت. به هر جانب برای احتیاط، چشم می انداخت و راه سره می کرد، ناگاه نظر بر گریه افگند. چون گریه را بسته دید، شاد گشت. در این میان از پس نگریست. راسویی از جهت او کمین کرده بود؛ سوی درخت التفاتی نمود. بومی قصد او داشت. بترسید و اندیشید که اگر بازگردم، راسو در من آویزد و اگر برجای قرار گیرم، بوم فرود آید و اگر پی شتر روم، گریه در راه است. با خود گفت: در بلاها باز است و انواع آفت به من محیط و راه مخوف، و با این همه، دل از خود نشاید برد... .

**کلیله و دمنه، نصرالله منشی**

آورده اند: حکایت می کنند / راه سره کردن: واری کردن، نیکو نگریستن / از پس: به پشت / نشاید: شایسته نیست

۱- استفاده از آرایه های ادبی: استعاره: آدمی انگاری موش / مراعات نظیر: گریه، موش، بوم، شتر / در بلا: استعاره / دل بردن: کنایه از «خود را باختن»

۲- حذف افعال به قرینه: درختی بود و در زیر درخت، سوراخ موش (بود) / انواع آفت به من محیط (است) و راه مخوف (است)

۳- کاربرد لغات مهجور عربی: مخوف

۴- رواج نثر داستانی، تمثیلی: متن بالا داستانی و تمثیلی است.